

## بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و وین دایر

مریم مردانی ورپشتی<sup>۱\*</sup> - حسین حسن‌پور آلاشتی<sup>۲\*\*</sup> - مسعود روحانی<sup>۳\*\*\*</sup> -

علی اکبر باقری خلیلی<sup>۴\*\*\*\*</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ایران - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

مازندران، ایران - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ایران - استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

مازندران، ایران

### چکیده

مسأله واکاوی حقیقت انسان از اساسی‌ترین تأملات فلسفی، دینی و جامعه‌شناسی است. در مکاتب عرفانی نیز شناخت ویژگی‌های انسان معنوی و راه‌های وصول وی به سعادت، در رأس امور قرار دارد. عالمان و عارفان بی‌شماری - چه در غرب و چه در شرق - به این موضوع پرداخته و به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. در این جستار با روش توصیفی - تطبیقی، به بررسی نظام اندیشگانی دو عارف بزرگ دنیا، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و وین.ولتر دایر پیرامون مسأله «انسان معنوی» پرداخته و وجوه همسان و غیرهمسان اندیشه این دو عارف تبیین می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که وجوه اشتراک نظرات این دو عارف بسیار بیشتر از وجوه افتراق آن‌ها است. این امر از تأثیر فراوان دایر از آموزه‌های مولانا و نیز همسانی آبخورها و مشارب تجربی آنان؛ یعنی عرفان حقیقی یا حقیقت عرفان حکایت دارد. از جمله اصلی‌ترین نقاط اشتراک این دو، می‌توان به مفهوم «وحدت وجود» و از مهمترین وجوه افتراق میان آن دو می‌توان به مسأله «اعتقاد به عقوبت» اشاره کرد.

**کلیدواژه:** مولانا، مثنوی، وین دایر، انسان، معنویت.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

\*Email: maryammardani22@yahoo.com (نویسنده مسئول)

\*\*Email: alashtya@gmail.com

\*\*\*Email: ruhani46@yahoo.com

\*\*\*\*Email: aabagheri@umz.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران است.

## مقدمه

یکی از پدیده‌های مهم دنیای معاصر، پیدایش «مکاتب نوظهور دینی» است. «توجه به این عرفان‌های نوظهور نشانه نیاز و گرایش فطری انسان معاصر به معنویت و اخلاق برای رسیدن به زندگی والاتر و آرامش درونی است.» (کاکاوند قلعه‌نویی و گذشتی ۱۳۹۵: ۲۵۲) مسأله واکاوی حقیقت انسان از اساسی‌ترین زمینه‌های تأملات در مکاتب نوظهور دینی و مکاتب کلاسیک عرفانی است و عالمان و عارفان بسیاری - چه در غرب و چه در شرق - به این مهم پرداخته‌اند؛ چراکه شناسایی خصوصیات انسان معنوی، نقش به‌سزایی در وصول به سعادت دینی و دنیوی بشر دارد. «ادبیات عرفانی ایرانی - اسلامی، گنجینه عظیمی از دستاوردهای فکری و روحانی انسان است که در جهان امروز می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و آسیب‌های روحی و معنوی باشد.» (قبادی و عاملی رضایی ۱۳۹۰: ۳۵) این جستار به روش توصیفی - تطبیقی، به موضوع انسان، از آن لحاظ که شایسته است چگونه باشد و چه‌سان زندگی کند، می‌پردازد؛ انسان مطلوب یا انسان معنوی. دو عارف بزرگ، یکی از دوران کهن و از سرزمین شرق؛ یعنی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و یکی از دوران معاصر و از سرزمین غرب؛ یعنی وین ولتر دایر<sup>۱</sup>، در این زمینه با یکدیگر مقایسه شده‌اند. حیرت‌انگیز است که با توجه به بُعد زمانی و مکانی فراوان هر دو عارف، اصل سخن هر دو، با وجود زبان و بیان کاملاً متفاوت، یکی است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

در صورت مواجههٔ اصولی با مسائل دینی و بررسی و تطبیق ادیان و عرفان‌های مختلف جهان با نگاهی محققانه و به دور از غرض، بسیاری از اختلافات سیاسی، فرقه‌ای، نظامی و... نیز از میان خواهد رفت و جوامع بشری در آرامش بیشتری به سر خواهند برد. وقتی مردم سراسر دنیا از پیوندهای فرهنگی یکسانی برخوردار

---

1. Wayne Walter Dyer

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۰۹

باشند، «این پیوند استوارتر، مانع از آن می‌شود که ملت‌ها به دلیل اغراض سیاسی یا منافع اقتصادی، از هم فاصله بگیرند یا حتی با هم بستیزند.» (أتوا<sup>۱</sup> ۱۳۹۷: ۱۳) شناخت مشخصه‌های «انسان معنوی» می‌تواند در راه رسیدن به آرامش و سعادت بشری مفید و مؤثر واقع شود. با عنایت به فواید بررسی‌های تطبیقی در میان عرفان‌های گوناگون، لزوم شناخت انسان معنوی و همچنین عدم پژوهشی با محوریت تطبیق دیدگاه مولانا و دایر درخصوص انسان معنوی، ضرورت چنین تحقیقی آشکار می‌شود.

### روش و سؤال پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تطبیقی و به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است. محدوده این پژوهش، تمامی آثار مولانا به‌ویژه «مثنوی معنوی» (۱۳۷۵)، تصحیح رینولد نیکلسن. تهران. انتشارات توس و آثار وین دایر به‌خصوص «وجود متعالی انسان» یا «خود مقدس شما»<sup>۲</sup> (۱۳۸۷)، ترجمه محمدرضا آل‌یاسین. تهران، انتشارات هامون، چاپ هفتم است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱) نکات همسان در نظام اندیشگانی مولانا و وین دایر در رابطه با ویژگی‌های انسان معنوی کدامند؟

۲) مولانا و وین دایر درباره ویژگی‌های انسان معنوی چه اختلاف نظرهایی با یکدیگر دارند؟

۳) از این تطبیق و مقایسه چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

### پیشینه پژوهش

درخصوص انسان معنوی در مثنوی مولانا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

شروح گوناگونی که بر مثنوی شریف (شرح مثنوی فروزان‌فر، زمانی، نیکلسون، انقروی، شهیدی و نیز استعلامی) نوشته شده به مبحث انسان معنوی و انسان کامل در مثنوی اشاره‌هایی داشته‌اند. شimmel (۱۳۷۰)، در «شکوه شمس» فصلی کوتاه با عنوان «آدمی و مقام او در آثار مولوی» دارد که در آن، علم انسان‌شناسی مولانا را توصیفی از مقام والای آدمی می‌داند؛ مرتبه‌ای که انسان همواره از آن غفلت می‌کند، اما خواهان بازیابی آن است و برای نیل به این امر باید حجاب‌های تن، نفس شهوانی و عقل جزوی را ترک گوید تا عشق و جمال الهی بر او آشکار شود. حسن‌زاده (۱۳۸۸)، در مقاله «فهم و برداشت مولانا از خدا، جهان و انسان» بر این باور است که کانون اندیشه مولانا، خداوند قادر مطلق است؛ در یک سوی هستی، این خدای نامتناهی و روح جهان قرار دارد و در سوی دیگر، جهان متناهی قرار دارد که حادث و مخلوق خداست و در فاصله میان این دو، یعنی جهان و خدا، انسان قرار دارد که موجودی است عظیم، پر ظرفیت، پر راز و رمز که مظهر تام و تمام الهی و خلیفه خداوند است. این انسان، موحد، یگانه‌پرست و محو در صفات خداوندی است و برای پیروزی بر تعارضات درونی و تمایلات حیوانی همواره در جهاد با خود و سلوک عرفانی است و به عشق الهی همه مخاطرات را می‌پذیرد. قابل ذکر است که تنها بخش اندکی از این مقاله به بررسی برخی خصوصیات انسان از منظر مولانا پرداخته است. خواجه‌گیر (۱۳۸۷)، در مقاله «تعالی معنوی انسان در آموزه‌های مولانا» معتقد است که تعالی معنوی انسان را در تفکر مولانا باید از دو جنبه نگریست: یکی جنبه مانع‌زدایی و آسیب‌شناسی روحی انسان و دیگری چگونگی پرورش روحانی. مولوی با تفکیک خود حقیقی و خود مجازی انسان و شناخت آثار زیان‌بار غفلت انسان از ساحت الهی خویش، موانعی را که باعث این غفلت و دوری انسان از گوهر حقیقی خود می‌شود، در مکتب عرفان عشقی خویش به بهترین وجه به تصویر کشیده است. این مقاله نیز به بررسی کلی خصوصیات انسان معنوی نپرداخته است. در رابطه با وین دایر نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله:

منگلی (۱۳۹۷)، در مقاله «عشق و تأثیر آن بر انسان‌گرایی و کمال‌طلبی در اندیشه عارفانه رشیدالدین میبیدی، مولوی و وین دایر» که تنها به مقایسه مضامین

مشترک عشق (فطری بودن، امانت الهی بودن و...) در تفکر عرفانی میبدی با دو تن از بزرگان عرفان؛ یعنی مولوی و وین دایر پرداخته است؛ نوروزی و همکاران (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی معنویت‌گرایی از دیدگاه وین. و. دایر، متفکر معاصر مسیحی» به بررسی مفاهیم اساسی تفکر دایر از جمله: معنویت، خدامحوری، مراقبه و... پرداخته و نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که ادبیات دایر علمی نیست و عرفان او، مجموعه‌ای از عرفان‌ها و اندیشه‌های مختلف است. وی درد معنوی بشر را تنها در مشکلات انسان معاصر می‌بیند. خدایی که دایر معرفی می‌کند، برای رفع استرس، نگرانی و... است و نه پاسخی به نیاز خداجویی بشر. در این پژوهش هیچ مقایسه و تطبیقی با مولانا صورت پذیرفته است. شریعت‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مفاهیم عرفانی در آثار وین دایر»، به پژوهش در منظومه فکری و درون‌مایه معنوی آثار دایر پرداخته و بدین نتیجه رسیده‌اند که عرفان دایر، عرفانی شخصی، محدود به اخلاقیات فردی و تهی از رسالت اجتماعی، فاقد نظام اعتقادی منسجم و... است. این پژوهش نیز هیچ مقایسه‌ای با مولانا ندارد. ایرج‌پور و خاتمی (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی تطبیقی اندیشه‌های مولوی و وین دایر» تنها به ذکر اشتراکات اندیشه مولانا و دایر در مواردی همچون: اندوه، دیدگاه مثبت به زندگی، شور و شوق، بیداری عرفانی، روشن‌بینی، انسان‌شناسی، ادراک برتر از عقل، هدفمندی جهان، تقلید، ناخویشتن‌پذیری و... پرداخته و بدین نتیجه رسیده‌اند که علی‌رغم تأثیرات مختلف گرایش‌های مذهبی، تشابهات بسیاری میان این دو عارف وجود دارد و بر مبنای دیدگاه این دو، جهان بر مبنای نوعی انرژی واقع شده که در راستای آن هرچه در این جهان موجودیت دارد - از جمله نیروی تفکر انسان - بارقه‌ای از عشق الهی است؛ بنابراین هرچه مورد تصور قرار بگیرد، در جهان مادی متبلور می‌شود. همچنین در راستای حاکمیت اصل وحدت وجود، تمامی تناقضات از بین می‌رود و به یگانگی تبدیل می‌شود. در مقاله مذکور به مسأله انسان معنوی پرداخته نشده است و تنها در برخی از مباحث، همانند عشق و نیروی جاذبه، همانندی‌های اندکی با مقاله حاضر دارد. ضمناً افتراقات میان مولانا و وین دایر نیز بررسی نشده است. عبادی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «مطابقت اندیشه‌های اعتقادی - اخلاقی وین

دایر با آموزه‌های قرآن کریم» به بررسی برخی از تشابهات اندیشه وین دایر با آموزه‌های قرآن پرداخته و بدین نتیجه رسیده است که دایر در مواردی مانند: شکرگزاری، قناعت، ایثار، دعا و... همسو با آموزه‌های قرآن حرکت کرده و آن‌ها را به همان شکل و یا با تغییراتی اندک بیان کرده‌است؛ تنها در مسأله تناسخ با آموزه‌های قرآن اختلاف نظر دارد. به طور کلی عرفان دایر شخصی و فاقد نظام اعتقادی منسجم و پشتوانه فلسفی صحیح است.

موضوع این جستار در مبحث نظرات مولانا درباره انسان معنوی، با تحقیقات انجام شده، تا حدودی همپوشانی دارد. اما در هیچ‌یک از آثار ذکر شده و پژوهش‌های صورت گرفته، به مسأله تطابق و مقایسه دیدگاه‌های مولانا و وین دایر در رابطه با «انسان معنوی» پرداخته نشده‌است؛ همین امر ضرورت چنین پژوهشی را نمایان می‌سازد.

## چارچوب مفهومی پژوهش

### معنویت

در فرهنگ دهخدا/ ذیل واژه «معنویت» آمده‌است: «[مَنَوی ی] (ع مص جعلی، امص) معنوی بودن. برای کلمه «معنوی» هم مترادفاتی مانند: منسوب به معنی، ضد لفظی، حقیقی و راست و اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی آورده‌است. معنویت اصطلاحی است که در میان بزرگان اندیشه، تعاریف گوناگونی دارد و به طور عام اشاره‌ای است به بُعد غیر مادی و باطنی انسان. این حس، با آرامش روحی و میزان گرایش انسان به حیات طیبه ارتباط مستقیمی دارد، تا آنجا که افراد معنوی، برعکس افراد مادی‌گرا که به زندگی جسمانی و ملموس و مادی توجه دارند و نوعی احساس خلأ می‌کنند، غالباً احساس آرامش، امید و شادی را تجربه می‌کنند. به دلیل فطری بودن معناگرایی و گرایش درونی انسان‌ها به معنویت، این حس درونی با توجه به نگرش‌های مختلف، تعاریف متنوعی دارد. در این تعاریف گاهی مطلق

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و.../ ۱۱۳

معنویت بدون همراهی دین، مورد توجه قرار می‌گیرد و گاه نقش عوامل فراروان- شناختی بزرگ‌نمایی می‌شود، اما معنویت حقیقی، معنویت همراه با ایمان به خدا و عمل به شریعت است و حس معناگرایی انسان معنوی، تنها در سایهٔ بینش، ایمان و عمل به آرامش و تعالی روح منجر می‌شود. (میرزایی و دلیر ۱۳۹۷: ۱۰۸ و ۹۶)

## عرفان

فرهنگ معین، ذیل واژه «عرفان» آورده است: «[ع.] ۱- (مص م.) شناختن، بازشناختن، معرفت. ۲- شناختن حق تعالی، معرفت حق.» (فرهنگ معین، ذیل واژه «عرفان») نوع نگرش و برداشت هر دینی نسبت به عرفان مجزا، خاص و متفاوت است. بنابراین تعریفی جامع و مانع از عرفان که مقبول طبع تمام صاحب‌نظران باشد و عرفان‌های مختلف اسلامی، یهودی، مسیحی، زرتشتی و ... را در بر بگیرد، امری محال است، اما اصولاً عرفان «یک مکتب فکری و فلسفی متعالی و ژرف برای شناختن حق و شناخت حقایق امور و مشکلات و رموز علوم است، آن هم البته نه به طریق فلاسفه و حکما، بلکه از راه اشراق و کشف و شهود» (سجادی ۱۳۷۶: ۸) و عارف نیز کسی است که منصرف و اندیشه‌ور در قدس جبروت است و همواره حالت تابش و اشراق نور الهی در درونش هست و می‌کوشد با کشف و شهود به حقایق و علوم ظاهر و باطن دست یابد. (همانجا)

## انسان معنوی

یکی از مهمترین مسائلی که ادیان، مذاهب، مکاتب و عرفان‌های گوناگون دربارهٔ آن بحث کرده‌اند، مسألهٔ انسان، شناخت ابعاد وجودی او و راه‌های رسیدن او به کمال است.

«هم بودا و کنفوسیوس از انسان و انسان کامل سخن گفته‌اند و هم حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) و هم زرتشت از انسان متعالی به نیکی یاد کرده‌اند و هم افلاطون و ارسطو؛ هم نیچه و مارکس به شناخت انسان برتر و ابر انسان

پرداخته‌اند و هم متصوفه و عارفان؛ هم حکمت عملی یا فلسفه اخلاقی اپیکور در پیش از میلاد، درباره انسان و سعادت و خیر او سخن رانده و هم مکتب رواقی بر لزوم همدلی و همدردی و هماهنگی انسان با طبیعت خودش برای رسیدن به کمال یعنی فضیلت و نیکی تکیه کرده است.» (نصیری ۱۳۸۴: ۶۸)

در عرفان اسلامی نیز مبحث انسان کامل یا انسان معنوی از مهمترین مباحث است. چراکه انسان از تمامی موجودات عالم حتی از فرشتگان نیز مقامی برتر و افضل دارد و تعبیرات گوناگونی که درباره انسان کامل یا انسان معنوی در عرفان اسلامی دیده می‌شود، دلیلی است بر صدق این گفتار؛ تعبیراتی همچون: انسان حقیقی، انسان ارفع، انسان اول، عالم صغیر، نایب‌الحق در زمین، تجلی اعظم، جام جهان‌نما، واسطه فیض، اصطراب حق، حامل سر الهی، ولی الله و ... .

### اندیشه‌ها و گفتار وین دایر

وین ولتر دایر، نویسنده و عارف آمریکایی<sup>(۱)</sup> باور دارد که همه انسان‌ها جزئی از نظام دانایی کل محسوب می‌شوند و برای مقصود و منظوری الهی و معنوی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. (دایر ۱۳۸۷: ۲۴) قدرت معنویت در درون تمام انسان‌ها به صورت بالقوه وجود دارد. (همان: ۳۳۵) برای نیل به درجه اولویت نیازی به انجام امور خارق‌العاده نیست. بلکه با اعمال ساده نیز می‌توان به وادی معنویت گام برداشت و به خداوند تقرب یافت. (همو ۱۳۹۸: ۷۵) دایر نیروی معنوی را همسان با نیروی مذهبی نشناخته و برای این دو تفاوت قائل است. وی مذهب را متعلق به دنیای مادی می‌داند. «انسان‌ها در مذهب‌های مختلفی متولد می‌شوند و پرورش می‌یابند. سپس بدون هیچ پرسشی، آیین و رسوم مذهب خود را به جا می‌آورند. این آیین و رسوم به دنیای مادی و ظاهری انسان مربوط می‌شود و با تعریف من از نیروی معنوی مطابقتی ندارد.» (همو ۱۳۹۹: الف: ۳۱) معنوی بودن؛ یعنی به جای اینکه یک مسیحی باشیم، شبیه حضرت مسیح زندگی کنیم. معنوی بودن، روش زندگی است، نه عضویت در یک تشکیلات. (دایر ۱۳۹۱: ۳۸) وی بر این باور است با معنویت می‌توان هرگونه شر و بدی و حتی بیماری را از میان برد. (همو ۱۳۹۸: ۲۶)



کتب او سرشار از پیشنهادات و توصیه‌هایی است که به انسان، شاد بودن، معنوی بودن، موفق بودن، عاشق بودن و... را یادآوری می‌کند. از منظر وی تمامی انسان‌ها در وجود خویش روحی متعالی دارند و می‌توانند - در صورت شناخت وجود متعالی خویش - همچون انبیاء و بزرگان باشند. (دایر ۱۳۹۹ الف: ۲۴۰) اگر انسان بتواند آگاهی معنوی را در مقابل مشکلات خود قرار دهد، مشاهده می‌کند که نور معنویت چطور موجب از بین رفتن تاریکی و ظلمت می‌شود (همان: ۱۷۸) و با دستیابی به کمال معنوی «غیر ممکن بودن» کاملاً بی‌معناست. (همان: ۲۴۱) روح انسان، تمام خصوصیات خداوند - مبدأ ازلی روح - را دارد و نمونه کاملی است از آن مبدأ ازلی. (همو ۱۳۹۸: ۲۹) از آنجاکه وین دایر پیش از نویسنده شدن، به عنوان یک روان‌شناس و مشاور مشغول به فعالیت بوده، اغلب آثار او به شکل مجموعه توصیه‌هایی است که یک مشاور یا روان‌شناس برای مراجعین خود دارد. او به «عملی ساختن» توصیه‌های خود بسیار تأکید می‌ورزد تا بدین طریق گفتارش جنبه کاربردی نیز بیابد. (همو ۱۳۹۹: ۱۱۶؛ همو ۱۳۸۷: ۱۳۵) شماره‌گذاری کردن و دسته‌بندی کردن مطالب، از دیگر ویژگی‌های خاص وی به شمار می‌رود؛ به شکلی که حتی در نام‌گذاری بعضی کتب نیز از عدد استفاده کرده است؛ به عنوان مثال: نُه اصل معنوی، ده راز موفقیت و... . اشاره به نظریات جدید دانشمندان فیزیک (همانند انیشتین) در جهت تقویت استدلال خویش، یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی دایر است. (همو ۱۳۹۸: ۲۸؛ همو ۱۳۹۹ ج: ۷۹) وی در جای‌جای آثار خود از جملات قصار بزرگانی همچون: ارسطو<sup>۱</sup>، اپیکتتوس<sup>۲</sup>، میستر اکهارت<sup>۳</sup>، ویلیام بلیک<sup>۴</sup>، کاستاندا<sup>۵</sup>، فرانسیس آسیسی مقدس<sup>۶</sup>، مادر ترزا<sup>۷</sup>، حافظ، خیام و... استفاده می‌کند تا بر تأثیر کلام خویش بیفزاید. از دیگر ویژگی‌های سبکی دایر، مثال زدن از زندگی و تجربیات شخصی خود برای تأیید گفته‌هایش است که با این روش بر صمیمیت

---

1. Aristotle  
3. Meister Eckhart  
5. Carlos Castaneda  
7. Mother Teresa  
9. Kriahnamurti  
11. Tagore

2. Epictetus  
4. William Blake  
6. Francis of Assisi  
8. Bhagavad Gita  
10. Patanjali

زبان و گیرایی آن می‌افزاید. (دایر ۱۳۹۸: ۱۲۰ و ۱۱۸) تأثیر فراوان از بزرگان و کتب هندی نیز در آثار وی مشهود است؛ او در تمامی آثار خود از کتبی چون: بهاگاوادگیتا<sup>۱</sup> بزرگان هندی همچون: کریشنامورتی<sup>۲</sup>، پتنجلی<sup>۳</sup>، تاگور<sup>۴</sup> و... سخن به میان می‌آورد؛ دایر مخصوصاً از گفته‌های «پتنجلی» شاهد مثال‌های گوناگونی ارائه می‌دهد و این نشان از تأثیر بسیار پتنجلی بر افکار وی دارد. با وجود اینکه دایر معتقد است تمام ادیان با هم برابر هستند، اما بیش از هر دین دیگری، می‌توان به وضوح تأثیر مسیحیت را در آثار وی مشاهده کرد. چراکه از آیات *انجیل* به عنوان شاهد مثال در جای‌جای آثارش استفاده کرده‌است. (همان: ۲۷ و ۴۷)

### تشابهات اندیشگی دایر و دین اسلام

دایر و گفته‌هایش نه تنها با اندیشه مولانا شباهت دارد، بلکه به طور کلی با دین اسلام نیز اشتراکات بسیاری دارد؛ حتی در برخی موارد به قرآن و احادیث پیامبر(ص) نیز اشاره‌های مستقیمی صورت گرفته‌است؛ به عنوان مثال او نیز همچون بسیاری از عارفان کهن اسلامی به حقیقت این حدیث حضرت علی(ع) اعتقاد دارد که: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.» (آمدی تمیمی ۱۴۱۰: ۲۳۲) در جایی دیگر، او به حدیث پیامبر(ص): «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَىٰ صُورَتِهِ: همانا خداوند انسان را به شکل و صورت خود آفرید» (البخاری ۱۴۰۱: ۶۲) اشاره می‌کند: «تمام ما انسان‌ها قبل از آنکه در قفس این تن خاکی اسیر شویم و بدین‌گونه خلقت یابیم، پاره‌ای بوده‌ایم از ذات الهی پروردگار. پس ما وارث تمام خصایص خداوندگاری هستیم.» (دایر ۱۳۹۸: ۲۰) همچنین وی می‌گوید: «همیشه این حقیقت فیزیکی و متافیزیکی را برای خود تکرار کنید که هیچ‌جایی از این هستی نیست که از حضور روح خالی باشد.» (همان: ۵۳) که همان مفهوم آیه ۱۱۵ سوره بقره است: «وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثُمَّ وَجَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: مشرق و مغرب هر دو ملک

خداست. پس به هر طرف روی کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید که خدا (به همه جا) محیط و (به هر چیز) داناست.» دایر ضمن اشاره مستقیم و ذکر آیه: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» (غافر/۶۰) تعبیر جالبی می‌آورد: «به نظر من واژه «خواندن» در این جمله به معنای ایجاد فرصت برای دریافت ندای الهی است. فرصت دادن به چیزی؛ یعنی اینکه هیچ مقاومتی برای رخ دادن آن از خود نشان ندهیم یا به عبارت دیگر، یعنی اتصال دوباره با ارتعاشات انرژی عظیم الهی.» (دایر ۱۳۹۸: ۸۰) مواردی از این دست، نشان از آشنایی و تأثیرپذیری وین دایر با دین اسلام دارد. وی در آثار خویش می‌کوشد تا از کتب مقدس تمام ادیان مثال‌هایی بیاورد و به نوعی تمامی ادیان را در یک ردیف قرار می‌دهد و همه را طریقی برای شناخت حق و حقیقت می‌داند، اما از اینکه پایبند به دین یا مذهبی خاص و سازمان یافته باشد، سر باز می‌زند.

### تأثیرپذیری دایر از مولانا

تأثیر اندیشه‌های مولانا در تمامی آثار و سخنرانی‌های دایر، آشکار است. (دایر ۱۳۹۹: ج: ۱۲۸؛ همو ۱۳۹۹ الف: ۳۵؛ همو ۱۳۹۸ الف: ۱۲۴ و...) وی خود به تأثیر سی ساله مولانا بر ذهن و اندیشه‌اش اعتراف دارد: «حدود سی سال است که اشعار مولانا را می‌خوانم و آن‌ها را در کتاب‌ها و سخنرانی‌هایم نقل می‌کنم. او به شخصیت مهمی در زندگی من تبدیل شده است.» (همان: ۳۷۸)

### همانندی‌ها در دیدگاه وین دایر و مولانا در خصوص انسان معنوی

مولانا و وین دایر در باب انسان معنوی و وصول به تکامل و سعادت شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی همسان ارائه می‌دهند. روشن است هنگامی که سخن از همانندی‌های وین دایر و مولانا به میان می‌آید، به این معنی نیست که هر دو در یک جایگاه و با اشتراکات در مبانی و اصول اندیشگانی و فکری هستند. بلکه به این معناست که

چون هر دو از آبشخور عرفان مایه گرفته‌اند، نقاط مشترکی دارند که در اینجا باز نمود می‌شوند.

## روحانی بودن انسان و بازگشت به مبدأ

دایر معتقد است جسم انسان از روح معنوی نشأت گرفته و سرانجام دوباره به آن رجعت خواهد کرد. مولانا نیز طبق آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶)، به این مسأله معتقد است و حیات بشری را سیری تکاملی می‌داند به سوی خداوند که بشر از جمادی به مرحله فوق بشری می‌رسد و تبدیل به چیزی می‌شود که حتی در وهم نیز قابل تصور نیست:

بار دیگر از ملک قربان شوم      آنچه اندر وهم ناید آن شوم  
پس «عدم» گردم عدم چون ارغنون      گویدم انا الیه راجعون  
(مولانا ۲۹۰۵/۶/۳/۱۳۷۵)

همچنین مولانا از مبدأ انسان به عنوان نیستانی یاد می‌کند که نی وجود انسان، همواره به دلیل جدایی از آن در فغان و اندوه است. این نی که از مبدأ و اصل خود (خداوند) جدا شده، در طی یک سیر تکاملی در صدد وصل مجدد به همان مبدأ خویش است:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش      بازجوید روزگار وصل خویش  
(مولانا ۴/۱/۱۳۷۵)

دایر می‌گوید: «ما همگی از جایگاه شهود به اینجا آمده‌ایم و در سر، شوق برگشت به آن قلمروی روحانی را داریم.» (۱۳۹۸: ۵۶) بزرگ‌ترین هدف خلقت، بازگشت آدمی به اصل و ذات الهی است. (همانجا) دایر، پیوسته بر این نکته تأکید می‌ورزد که ما جسمی نیستیم که در آن روحی وجود دارد، بلکه روحی هستیم که در درون یک جسم قرار گرفته‌ایم. مولانا نیز می‌گوید جسم ما محصول روح ماست و نه روح ما محصول جسم ما:

باده از ما مست شد نی ما از او      قالب از ما هست شد نی ما از او  
(مولانا ۱۸۱۲/۱/۱۳۷۵)

## ترک متاع دنیوی و تعلقات زمینی

مولانا در آثار خود و به ویژه در مثنوی همواره انسان را به ترک تعلقات دنیوی فرامی خواند و برای دنیا، تعبیری چون: ساحره (مولانا ۱۳۷۵/۴/۳۱۹۶)، دام (همان/۵/۱۴۱۲)، وثاق پر غم (همان/۶/۶۰)، چاه (همان/۶/۳۱۴۴)، گلخن (همان/۴/۲۳۸) و... می آورد تا بی ارزشی دنیا را به اثبات برساند. طبق آموزه های او تعلقات دنیوی و مال و ثروت برای انسان معنوی که روح کاملی دارد، مانند زنجیر است:

ملک و مال و اطلس این مرحله      هست بر جان سبک رو سلسله  
(همان/۶/۲۴۳)

از منظر دایر نیز انسان معنوی برای شناخت خویش و اتصال به عالم ملکوتی، باید خود را از قید و بند تعلقات عالم مادی و زمینی برهاند. زمانی که انسان برای آزاد شدن در برابر همه تعلقات مادی به پا خیزد، تنها آن زمان است که در مسیر مقصود نهایی زندگی خویش گام برمی دارد و خود را سعادتمند می یابد. (دایر ۱۳۸۷: ۴۴)

## اعتقاد به وحدت وجود و اتصال و یگانگی با هستی

یکی از آموزه های بنیادین مولانا مسأله «وحدت وجود» است که البته میان مولوی پژوهان در رابطه با وحدت وجودی یا وحدت شهودی بودن مولانا افتراق نظر است. در هر صورت مولانا معتقد است که وجود اصلی و واقعی خداوند است و آدمیان نیز در ابتدا یگانه بوده و با خالق خود نیز یکی بوده و بعد تکثر پیدا کرده اند:

منبسط بودیم و یک جوهر همه      بی سر و بی پا بدیم آن سر همه  
(مولانا ۱۳۷۵/۱/۶۸۶)

طبق آموزه های دایر، ما همه به طور هم زمان، هستی خودمان و در عین حال همه آنچه در خارج از ما وجود دارد، هستیم و این، اصل سوم از نه اصل مکاشفه روحی از منظر وی است. (دایر ۱۳۹۸: ۷۳) «کثرتی در کار نیست و همه یکی هستند. واحدی که تنها عشق لایتنهایی است و بس!» (همو ۱۳۹۸: ۴۶) او معتقد است که همه ما

انسان‌ها یکی هستیم و از منشأ یک روح واحد خلق شده‌ایم. افکار هر انسانی همانند یک هولوگرام<sup>۱</sup>، انعکاس دهنده افکار همه بشریت است. (دایر۱۳۹۸: ۶۷)

## مسأله خلیفه الهی و علت غایی خلقت بودن انسان

مولانا در آثار خود به مقام اعلای بشر اشاره دارد و معتقد است خداوند با کلام «کرَمنا» به انسان خطاب کرده است که: «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم.» (اسراء/۷۰) همچنین بار امانت تنها بر دوش انسان گذاشته شده است و این مسأله، مقام والای انسان را بازگو می‌نماید:

حمال آن امانت کان را فلک نپدرفت      گشتم به اعتمادی، کز لطف توست یاری  
(مولانا ۱۳۸۸/۶/۳۱۳۴)

دایر نیز بر این باور است که تمام مخلوقات الهی در پی هدفی والا خلق شده‌اند و بی‌شک تنها انسان که به مقام خلیفه الهی رسیده است، هرگز نمی‌تواند بی‌هدف و بی‌منظور خلق شده باشد و «اگر انسان از جایگاه والای خود در روی زمین آگاهی داشته باشد و بداند که خداوند او را تا مقام خلیفه الهی بالا برده است، آن‌گاه تمام سعی خود را خواهد کرد تا بتواند عرصه‌ای برای ظهور و زیستن در این راستا بیابد و خود را تا منتهای کمال و جودی خویش بالا ببرد.» (دایر۱۳۹۸: ۲۴) از منظر دایر، هدف از خلقت انسان این است که شرایط خاص خود و اشرف مخلوقات بودنش را به اثبات برساند. (همان: ۱۳۷)

## تسلیم و توکل

مولانا تسلیم و توکل را یکی از ویژگی‌های مهم انسان معنوی می‌داند:

نیست کسبی از توکل خوب‌تر      چیست از تسلیم خود محبوب‌تر  
(مولانا ۱۳۷۵/۱/۹۱۶)

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۲۱

انسان معنوی باید برای رهایی از پیوندهای بشری، همانند حضرت ابراهیم(ع)، توکل کند و توکل بهترین کسب‌هاست که بهتر از آن در دو عالم وجود ندارد:  
گفت من به از توکل بر ربی می‌دانم در دو عالم مکسبی  
(مولانا ۱۳۷۵/۵/۲۴۲۵)

از منظر دایر، تسلیم «عملی است برخاسته از دل که تنها در یک لحظه تحقق می‌یابد.» (۱۳۸۷: ۵۱) انسان برای معنوی شدن، باید در برابر مقدرات الهی خضوع کند و تسلیم امر حق باشد، چراکه تمام عقاید و نقطه‌نظرات انسان مبنی بر اینکه رویدادهای جهان چگونه می‌بایستی اتفاق بیفتند، در واقع قضاوت درباره سناریوی (مشیت الهی) و دخالت در طرز عمل کارگردان (خالق) است. (همان: ۵۲)

### توانایی‌های نامحدود و قدرت‌های خارق‌العاده (شفادادن، پیشگویی و...)

از منظر مولانا، چون انسان معنوی نور خود را از خدا می‌گیرد و مسجود ملایک می‌شود، می‌تواند بزرگترین معجزات و امور خارق‌العاده را تنها با «الهی بودن» و ارتباط با خالق به ثمر برساند: «وجود آدمی که ولقد کرمانا بنی آدم، اسطربلاب حق است، چون او را حق تعالی به خود عالم و دانا و آشنا کرده باشد، از اسطربلاب وجود خود، تجلی حق را و جمال بیچون را دم به دم و لمحہ به لمحہ می‌بیند و هرگز آن جمال از این آینه خالی نباشد.» (مولانا ۱۳۹۶: ۲۸) ظهور معجزات تنها از جان انسان کامل و معنوی بر می‌خیزد و به ضمیر جان انسانی که طالب است و حق جو، حیات می‌بخشد:

بر زند از جان کامل معجزات بر ضمیر جان طالب چون حیات  
(مولانا ۱۳۷۵/۶/۱۳۰۸)

دایر نیز به عنوان اصل چهارم از نه اصل معنوی، معتقد به یک شعور و قدرت خلاق و مسئول در جهان است که هرگاه انسان فارغ از هر شک و تردیدی به آن وقوف پیدا کند، قادر است امور خارق‌العاده‌ای را به انجام برساند. (۱۳۹۸: ۹۰) وی با استفاده از علم فیزیک کوانتوم، این مسأله را تبیین می‌کند و از قول استفان

ولینسکی<sup>۱</sup> می‌گوید: اجزای اتم تنها وقتی مجال ظهور پیدا می‌کنند که آنان را مشاهده کنیم و تنها پس از اتخاذ تصمیم برای مشاهده یک ذره، موج به صورت منفرد درآمده و یک هویت مجزا پیدا می‌کند. فرد مشاهده‌کننده، خود خالق جرم و ذرات گیتی است. این بدان معناست که چگونگی برخورد ذهنی ما با رویدادها، ارتباطات متقابل و وضعیت درون ما، جملگی توسط خودمان تعیین می‌شود. راز مکانیزم خلقت و آفرینش در آن است که در آنچه می‌بینیم و انجام می‌دهیم، کمال خدا را بجویم. (دایر ۱۳۸۷: ۴۶-۴۴)

### خدمت به خلق

مولانا خدمت به خلق را عنایت حق تعالی می‌داند: «گفت که شب و روز، دل و جانم به خدمت است و از مشغولی‌ها و کارهای مغول، به خدمت نمی‌توانم رسیدن. فرمود که این کارها هم کار حق است؛ زیرا سبب امن و امان مسلمانی است... چون شما را حق تعالی به چنین کار خیر میل داده است و فرط رغبت، دلیل عنایت است.» (مولانا ۱۳۹۶: ۲۹)

دایر برای دستیابی به آزادی و رسیدن به معنویت و شاهراه هشیاری برتر پیشنهاد می‌کند که هر روز بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت یا اندکی توقع، به دیگران خدمت نمود و این مسأله را باید به خاطر سپرد که هرگاه شادی و سرور را تنها برای خود جست‌وجو کنیم، از چنگمان می‌گریزد، اما چنانچه شادمانی را برای دیگران بجویم، خود و آنان را از این نعمت، برخوردار خواهیم کرد. (دایر ۱۳۸۷: ۴۸)

### چیرگی بر اهریمن خودپرستی و کنترل نفس یا Ego

مولانا همواره بر کشتن نفس تأکید بسیار دارد. (مولانا ۱۳۷۵/۲... و ۲۶۸۵-۲۵۲۵-۷۸۵)



س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۲۳

نفس توست آن مادر بد خاصیت  
که فساد اوست در هر ناحیت  
هین بکش او را که بهر آن دنی  
هر دمی قصد عزیزی می‌کنی  
(مولانا ۷۸۲-۷۸۳/۲/۱۳۷۵)

نفس انسان را به سوی کفران و کنشت می‌کشاند (همان ۲۹۱۵/۵) و با از بین رفتن نفس، زمین وجود انسان پربار می‌شود. (همان ۱۲۶۰/۲)

دایر نیز معتقد است که «نفس» جلوه نادرستی از خویشتن انسان است. پس در از بین بردن این تصویر اشتباه نباید کوچکترین شکی به دل راه داد. (۱۳۹۸: ۵۴)

برای زیستن در بُعدی کاملاً معنوی باید به جای بندگی انگیزه‌های نفسانی، انسانیت حاکم و فرمانروای وجود شود. (دایر ۱۳۸۷: ۲۷)

## عشق

یکی از بارزترین شاخصه‌های انسان معنوی از منظر مولانا و وین دایر «عاشق بودن» است. وین دایر در این باره صراحتاً به تأثیری که از مولانا گرفته اشاره دارد: «همان‌طور که رومی (مولانا) می‌گوید، عشق اکسیری است که به زندگی نیرو می‌بخشد و علت و معلول سازگاری بین افراد است.» (دایر ۱۳۹۹ الف: ۱۲۸) در نگاه عارفانه مولانا عشق اصطراب حقیقی اسرار حق و گامی به سوی تکامل و معنویت است:

علت عاشق ز علت ها جداست  
عشق اصطراب اسرار خداست  
(مولانا ۱۱۰/۱/۱۳۷۵)

در آموزه‌های مولانا، عشق «از خداوند نشأت می‌گیرد، قدیم است و در ازلیت و ابدیت با او برابر. اگر آدمی به ندای عشق لبیک گوید، می‌تواند به تدریج به اخلاق الهی متخلق گردد و بدین طریق، به معشوق تقرب یابد. زیرا برترین وصف حق، عشق است نه خوف.» (شیمل ۱۳۷۰: ۴۷۴) همچنین عشق نیروی محرکه تمام عالم است. حرکت کل کائنات بر مدار عشق است و انسان باید عشق حقیقی را به خود تعلیم دهد:

خویش را تعلیم کن عشق و نظر  
کان بود چون نقش فی جرم الحجر  
(مولانا ۳۱۹۴/۵/۱۳۷۵)

دایر نیز باور دارد که انسان معنوی یک عاشق تمام عیار است. او عاشق همه چیز است، عاشق خداوند، انسان‌ها، طبیعت و... با نیروی عشق، می‌توان تمام آشفته‌گی‌های زندگی را سامان بخشید. (دایر ۱۳۹۸: ۱۱۷) خداوند عشق است و در عشق جریان یافته و در وجود همه انسان‌ها نیز حضور دارد. (همو ۱۳۹۹: ج: ۵۰)

## فنا

مولانا به این پارادوکس معتقد است که حیات انسان در فنای اوست (مولانا ۳۸۷۱/۱/۱۳۷۵) و «من معنوی» بعد از فنا پدیدار می‌شود:

کی شود کشف از تفکر این انا      آن انا مکشوف شد بعد از فنا  
(مولانا ۴۱۴۶/۵/۱۳۷۵)

فنا در واقع باعث حرکت و سلوک انسان در مسیر عرفانی و معنویت و در نهایت سبب رسیدن به بقا و جاودانگی است:

این بقاها از فناها یافتی      از فناش رو چرا برتافتی  
(مولانا ۷۹۶/۵/۱۳۷۵)

از نظر دایر نیز، انسان معنوی انسانی است که خود را با ابدیت پیوند زده و در حق فنا شده است. (دایر ۱۳۹۹: پ: ۱۳۱) فنا شدن در وجود حق، باعث از بین رفتن تمام افکار منفی و سست کننده می‌شود. (دایر ۱۳۹۸: د: ۵۹) برای رسیدن به بقا و جاودانگی باید از مرحله فنا عبور کرد و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که انسان بتواند تمام دغدغه‌های ذهنی خود را مانند: ترس از مرگ، جدایی از دیگران، حس برتری جویی و نیاز به برنده بودن پاک کند. (همو ۱۳۹۹: ج: ۱۲۶)

## شادی و خرسندی

از توصیه‌های مؤکد مولانا این است که انسان باید شاد باشد و شادی خود را از خداوند طلب کند:

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۲۵

نی مشو نومید خود را شاد کن پیش آن فریاد رس فریاد کن  
(مولانا ۳۲۵۲/۱/۱۳۷۵)

دایر از صلح و شادی، به عنوان یکی از تقویت کننده‌ترین افکار انسان معنوی، یاد می‌کند. این افکار، نیروی عکس‌العملی ایجاد نمی‌کنند و باعث خوش‌بینی و سلامت جسم فرد می‌شوند. (دایر ۱۳۹۹ب: ۹۴) انسان معنوی پیوسته در حالت شادی به سر می‌برد. (همو ۱۳۹۹الف: ۳۷) شادی یک احساس درونی است که نمی‌توان آن را از فرد یا چیز دیگری کسب کرد. بلکه خود انسان می‌تواند به دیگران و یا حتی به خودش شادی ببخشد. (همان: ۱۴۶)

## شکرگزاری

مولانا یکی از راه‌های معنوی شدن انسان را «شکرگزاری» می‌داند و معتقد است شکر، سبب رسیدن به کام (مولانا ۱۶۳/۲/۱۳۷۵) و جان‌نعمت است. آدمی را تا کوی دوست می‌آورد، به الوهیت نزدیک می‌گرداند و باعث قدرت و افزونی نعمت می‌شود:

شکر جان نعمت و نعمت چو پوست ز آنکه شکر آرد تو را تا کوی دوست  
(همان ۲۸۹۶/۳)

شکر قدرت قدرتت افزون کند جبر نعمت از کفت بیرون کند  
(همان ۹۳۹/۱)

از مهمترین آموزه‌های دایر برای نیل به معنویت و کمال، «شکرگزاری» است. «بابت تمام چیزهایی که در زندگی دارید، شکرگزاری کنید. حتی اگر خواسته‌هایی دارید که هنوز محقق نشده‌اند، باز هم دست از شکرگزاری برندارید.» (دایر ۱۳۹۹ج: ۱۹۹) دایر معمولاً در انتهای مراحل توصیه شده خود برای رسیدن به معنویت و کمال، آخرین مرحله را به «شکرگزاری» اختصاص می‌دهد. (همان: ۲۲۰ و...)

## استقبال از مرگ

از منظر مولانا آدمی در این دنیای فانی همچون اسیری است در زندان و برای حصول کمال و خوشبختی، چاره‌ای ندارد جز عبور از دنیا و تعلقات آن. مرگ برای انسان معنوی همچون رهایی از زندان، آرامش بخش است و روح جاودان او تا زمانی که زندان تاریک جسم را رها نکند، پنهان است و دیده نمی‌شود. (شیمل: ۱۳۷۰: ۳۵۲)

من از برای مصلحت در حبس دنیا مانده‌ام      حبس از کجا؟ من از کجا؟ مال که را دزدیده‌ام؟  
(مولانا ۱۳۸۸: ۱۴۴۹۴)

از منظر دایر نیز انسان تنها زمانی که از بند این زندان تن رها شده باشد، قادر است که خود عالیقدر خویش را دریابد و به شخصیتی که هرگز پیش از آن در تصورش هم نمی‌گنجیده است برسد. (دایر ۱۳۹۸: ۶۹)

### ابن‌الوقت بودن

مولانا همواره بر لزوم توجه به زمان حال و بهره بردن از آن تأکید دارد. از نگاه وی عمر آدمی همچون همیانی از طلا و زر بسیار ارزشمند است.

عمر تو مانند همیان زر است      روز و شب مانند دینار اشمرست  
(مولانا ۱۳۷۵/۱۲۴/۳)

عمر کوتاه را تنها با اعمال نیک و پسندیده و گام برداشتن در راه معنویات می‌توان ارزش بخشید. (همان ۱۲۶۷/۲)

دایر همواره به زندگی در لحظه اکنون و فراموشی گذشته و عدم نگرانی درباره آینده تأکید دارد. وی این امر را برای پیشروی در جهت تحقق قدرت مقدس درونی انسان ضروری می‌داند. (دایر ۱۳۸۷: ۶۷) سرمایه اصلی انسان همین «اکنون» است که شاید تا لحظه‌ای دیگر ناپدید شود. (همو ۱۳۹۸: ۵۴) از دیدگاه وی یکی از رازهای موفقیت و آرامش درون عبارت است از: «تنها وقتی خداوند را خوب می‌شناسید که در ذهن‌تان از گذشته و آینده دست بکشید و کاملاً با لحظه حال یکی شوید. زیرا خداوند همیشه در اینجا و در لحظه اکنون است.» (همو ۱۳۹۹: ۵۳)

## خودساختگی و خودشناسی

با توجه به آموزه‌های مولانا و وین دایر، برای رسیدن به معنویت، لازم است زائر درون خویش شد و سفری به ژرفای وجود خویش داشت تا بتوان به درک درونی‌ترین و عمیق‌ترین خصائل خویش نائل شد. خودشناسی پله‌ای است جهت خداشناسی:

جان جمله علم‌ها این است این که بدانی من کی‌آم در یوم دین  
(مولانا ۲۶۵۴/۳/۱۳۷۵)

وین دایر نیز تقریباً در تمامی آثار خویش، به ضرورت شناخت خود و گوش سپردن به ندای درون تأکید می‌ورزد. از منظر وی برای نائل شدن به مقام و موقعیت انسانی خود لازم است که شخص، خودش آهنگساز، ترانه‌سرا و مربی رقص زندگی خود باشد. (دایر ۱۳۸۷: ۶۶) انسان معنوی، انسانی است که استعدادهای درونی خویش را بشناسد و آن‌ها را به عرصه ظهور برساند. (همو ۱۳۹۹: ج ۲۴۵)

## ارتباط با خداوند (نماز/مراقبه)

از مهمترین آموزه‌های مولانا، چگونگی ارتباط انسان با خداوند و مبدأ هستی است. با توجه به نگاه خاص مولانا به شریعت، وی در عین اینکه فرضیه نماز را واجب می‌داند، عبور از ظاهر و پرداختن به معنا و باطن نماز را نیز واجب؛ صورت و معنای نماز را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند و معتقد بود که مبدأ اعمال صالح و عبادات ظاهری چیزی جز درون پاک و طاهر و اعتقاد واقعی نیست.

این نماز و روزه و حج و جهاد هم گواهی دادند از اعتقاد  
(مولانا ۱۸۳/۵/۱۳۷۵)

«مراقبه» به عنوان یکی از راه‌های ارتباط با خداوند، از پرتکرارترین موضوعات مورد بحث دایر است و حتی عنوان یکی از کتب او «مراقبه، روشی برای برقراری

ارتباط آگاهانه با خداوند»<sup>۱</sup> (۱۳۸۲)، نام دارد که در آن به طور مفصل به این امر پرداخته است.

## نیروی جذب

قرن‌ها پیش، قبل از آنکه قانون جذب به عنوان قانونی نو و تازه به مردم جهان معرفی شود، مولانا در آثار خویش بدان اشاره کرده بود. در این قانون گفته می‌شود که هر چیزی، همانند خویش را جذب می‌کند؛ بنابراین انسان باید برای رسیدن به معنویت، در پی جذب طبیات و معنویات باشد.

خوب خوبی را کند جذب این بدان  
طبیات للطیین بر وی بخوان  
در جهان هر چیز چیزی جذب کرد  
گرم گرمی را کشید و سرد سرد  
(مولانا ۸۰/۲/۱۳۷۵)

یکی از مهمترین آموزه‌های دایر نیز، توجه به نیروی جذب است که بر مبنای آن وقتی انسان چیزی را از صمیم قلب خواستار باشد و در مسیر خداوند و معنویت حرکت کند، قطعاً به آن دست می‌یابد. (دایر ۱۳۹۸: ۱۲۲) دایر یکی از نه اصل معنویت را فهم قدرت جذب می‌داند. (همو ۱۳۹۸: ۷۵)

## افتراقات دیدگاه وین دایر و مولانا درباره انسان معنوی

### الف) اعتقاد به تحمل رنج و بلا

مولانا معتقد است انسان معنوی محکوم به تحمل رنج و سختی است. چراکه در روز ازل، در پاسخ به ندای خداوند که: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» جواب «بلی» داده است:

گفت: «الست» و تو بگفتی: «بلی»  
شکر بلی چیست؟ کشیدن بلا  
(مولانا ۱۳۸۸: ۲۸۱۸)

به اعتقاد مولانا هر اندازه که معنویت انسان بالاتر باشد، مقدار رنج و محنتی که باید متحمل شود، بیشتر و عظیم‌تر خواهد بود و به همین دلیل است که پیامبران

1. Getting in the gap: Making conscious contact with God through meditation

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۲۹

بیشترین بلاها را متحمل می‌شدند، اما از نگاه وین دایر انسان معنوی کسی است که سختی و رنجی را متحمل نمی‌شود و هر مشکلی که برایش پیش بیاید - صرفنظر از ارتباطش با وضعیت مالی، تندرستی و یا هر چیز دیگر - با راه حلی معنوی مرتفع می‌شود. (دایر ۱۳۸۷: ۳۵)

## احساس گناه

از آنجا که آموزه‌های مولانا سرچشمه‌ای دینی و اسلامی دارند، همواره انسان را برحذر از گناه می‌کنند. مولانا معتقد است تنها زمانی که انسان دچار قساوت قلب می‌شود، گناه از او سر می‌زند:

لیک دلهاشان چو قاسی گشته بود      آن گنه‌هاشان عبادت می‌نمود  
(مولانا ۱۳۷۵/۵/۱۶۰۶)

اما وین دایر نگاهی نو به مقوله «احساس گناه» دارد. او این احساس را، احساسی مضر و یکی از اشتباهات انسان می‌داند، چراکه این احساس مانع از رشد و اعتلای انسان در زمان حال می‌شود و یا در برخی موارد ممکن است انسان باور کند گناهکار است، پس دیگر برای اشتباه کردن آزاد است! یا با این وسیله مسئولیت رفتار خود را به دیگران منتقل کند و یا تأیید دیگران را به دست آورد و... به همین سبب است که دایر با «احساس گناه» در انسان مخالف است و آن را یکی از عواطف «خودتباهی‌گرانه» می‌شمارد. (دایر ۱۳۹۸ ج: ۱۱۵)

## اعتقاد به عقوبت

مولانا به این اصل که هر عملی هر چقدر هم کوچک و بی‌اهمیت باشد، بدون پاسخ نمی‌ماند، اعتقاد دارد:

فعل تو که زاید از جان و تنت      هم چو فرزندت بگیرد دامت  
(مولانا ۱۳۷۵/۶/۴۱۹)

هر عمل و اندیشه ناشایستی که توسط فرد صورت بگیرد، عقوبتی دارد که دامان آن فرد را خواهد گرفت و به سوی خود او باز خواهد برگشت، چراکه قضا و قدر خداوند مقتضی این است که جزای کژی، کژی باشد و پاداش نیکی، نیکی.

کژ روی، جَفَّ القلم کز آیدت راستی آری، سعادت زایدت  
(مولانا ۱۳۷۵/۵/۳۱۳۳)

اما دایر معتقد است که «اعتقاد به اینکه خداوند مجازات‌کننده است، با آگاهی معنوی مغایرت دارد.» (۱۳۹۹ الف: ۱۶۶) اعتقاد نسبت به بدی و مجازات شدن توسط پروردگار از انانیت و ماهیت غیرواقعی فرد نشأت می‌گیرد. اعتقاد به اینکه خداوند انسان را محکوم می‌کند، با اعتقاد به بخشندگی خداوند مغایرت دارد. بنابراین انسان معنوی به مجازات الهی اعتقادی ندارد. (دایر ۱۳۹۹ الف: ۱۶۶)

## تنعم و استفاده از نعمات دنیوی

از آنجاکه انسان غربی، نگاهی تجربه‌گرا و پوزیتیویستی دارد، به این معنا که اصولاً محسوسات و مشاهدات عینی پایه اصلی و اساسی اظهارنظرها و تحلیل‌های فکری او را تشکیل می‌دهند، پس دور از ذهن نیست که عرفان نیز به نوعی در جهت رسیدن به امور مادی و روزمره زندگی به کار گرفته شود. دایر - از آنجاکه خود فردی موفق و ثروتمند است - با آگاهی از این امر، سعی دارد تا با نشان دادن موفقیت‌ها و کامیابی‌هایی که در اثر معنویت حاصل می‌گردند، انسان معاصر را به روی‌آوری به سمت عرفان برانگیزاند. (دایر ۱۳۹۸ د: ۶۱) البته لازم به تذکر است که دایر تأکید دارد جهت رسیدن به خواسته‌های دنیوی خود نیز باید با منبع عظیم و بیکران نعمات یکی و با روح لایزال الهی برانگیخته شد. (همانجا) و نکته دیگر این که در این راه انسان باید همواره «راضی و تسلیم» باشد. (دایر ۱۳۹۸ ب: ۲۰۵) اما در آثار مولانا اهمیت چندانی به مسأله پول و ثروت داده نمی‌شود. می‌توان گفت اصولاً



معنویت دایر زمینی تر است و به امور این جهانی توجه بسیار دارد؛ در حالی که مولانا - ضمن کمتر اهمیت دادن به مسائل مادی - معنویت را اصلاً این جهانی و مادی نمی‌بیند. از منظر وی انسان معنوی در جستجوی عقبی است و نه دنیا:

بد محالی جست کو دنیا بجست      نیک حالی جست کو عقبی بجست  
(مولانا ۱/۱۳۷۵/۹۷۹)

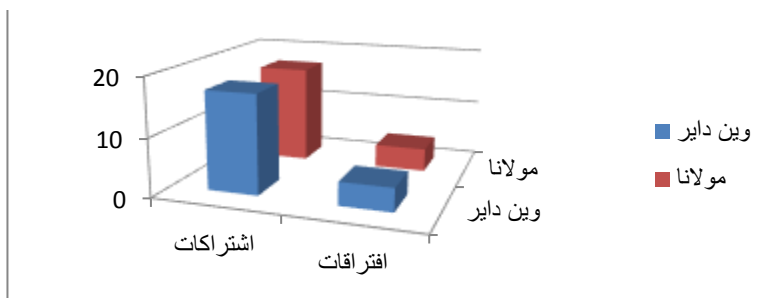
### نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مولانا و وین دایر، دو عارف بزرگ، یکی از سرزمین شرق و دیگری از دیار غرب، با وجود اختلاف مکانی و زمانی بسیار، تشابهات اندیشه‌ای بسیاری به‌ویژه در مبحث ویژگی‌های انسان معنوی با یکدیگر دارند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: مسأله خلیفه‌اللهی و علت غایی خلقت بودن انسان، روحانی بودن انسان و بازگشت به مبدأ، ترک متاع دنیوی و تعلقات زمینی، اعتقاد به وحدت وجود و اتصال و یگانگی با هستی، تسلیم و توکل، توانایی‌های نامحدود و قدرت‌های خارق‌العاده، خدمت به خلق، چیرگی بر اهریمن خودپرستی و کنترل نفس، عشق، فنا، شادی و خرسندی، شکرگزاری، استقبال از مرگ، ابن‌الوقت بودن، خودساختگی و خودشناسی، ارتباط با خداوند (نماز/مراقبه) و نیروی جذب.

درخصوص افتراقات اندیشه مولانا و وین دایر درباره انسان معنوی نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: اعتقاد به تحمل رنج و بلا، احساس گناه، اعتقاد به عقوبت، تنعم و استفاده از نعمات دنیوی.

با توجه به موارد ذکر شده در مقایسه تطبیقی میان مولانا و وین دایر درمی‌یابیم که به‌طور کلی، همانندی‌ها و شباهت‌ها در دیدگاه این دو عارف در زمینه انسان

معنوی بیشتر از اختلافات و افتراقات میان آن دو است که این امر از تأثیر فراوان دایر از مولانا و آموزه‌های وی و همچنین همسانی آبخورها و مشارب تجربی آنان - که همان عرفان حقیقی یا حقیقت عرفان باشد - حکایت دارد. در ادامه خلاصه مطالب به صورت نمودار و جدول ارائه شده‌است.



نمودار شماره ۱. نکات اشتراک و افتراق میان دیدگاه مولانا و وین دایر

### درخصوص انسان معنوی

جدول شماره ۱. اشتراکات و افتراقات دیدگاه مولانا و دایر درخصوص انسان معنوی

اشتراکات و افتراقات دیدگاه مولانا و دایر درخصوص انسان معنوی		
افتراقات	اشتراکات	ردیف
اعتقاد به تحمل رنج و بلا	روحانی بودن انسان و بازگشت به مبدأ	۱
احساس گناه	ترک متاع دنیوی و تعلقات زمینی	۲
اعتقاد به عقوبت	اعتقاد به وحدت وجود و اتصال و یگانگی با هستی	۳
تعم و استفاده از نعمات دنیوی	مسأله خلیفه الهی و علت غایی خلقت بودن انسان	۴
	تسلیم و توکل	۵
	خدمت به خلق	۶
	توانایی‌های نامحدود و قدرت‌های خارق‌العاده مثل: شفادادن، پیشگویی و...	۷
	چیرگی بر اهریمن خودپرستی و کنترل نفس یا Ego	۸
	عشق	۹
	فنا	۱۰
	شادی و خرسندی	۱۱

۱۲	شکرگزاری
۱۳	استقبال از مرگ
۱۴	ابن الوقت بودن
۱۵	خودساختگی و خودشناسی
۱۶	ارتباط با خداوند (نماز/ مراقبه)
۱۷	نیروی جذب

## پی نوشت

۱) وین ولتر دایر که هوادارانش وی را «پدر انگیزه» نامیده‌اند (دایر ۱۳۹۹: ب: ۴)، در سال ۱۹۴۰ میلادی به دنیا آمد. وی علاقه زیادی به نوشتن داشت. بنابراین به دنبال اندیشه‌های خویش رفت و باور کرد که استعداد نویسندگی در او به ودیعه گذاشته شده است. (همان: ۱۰۳) دایر توانست به عنوان استاد دانشگاه مشغول به تدریس و مشاوره گردد. او سخنرانی‌هایی در پورت واشنگتن نیویورک انجام داد که بعدها یکی از مسئولان تالار اقدام به ضبط و پخش نوارهای این سخنرانی‌ها کرد. نوارهایی که طرح اولیه نخستین کتاب دایر «قلمرو اشتباهات شما» (۱۹۷۶ در سن ۳۶ سالگی) را شکل داد. (همو ۱۳۹۹: ج: ۶۴) بعد از این کتاب، کتب بسیار دیگری نوشت که در سراسر دنیا مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرد. از سال ۱۹۹۰ حجم زیادی از مطالعاتش را به بررسی زندگی انسان‌های معنوی قدیمی و معاصر اختصاص داد و فعالیت‌های صلح طلبانه خود را برای آرامش و حفظ صلح در مناطقی مانند ویتنام شروع کرد. (دایر ۱۳۹۸: د: ۳۵) سرانجام در سال ۲۰۱۵ در سن ۷۵ سالگی به دلیل بیماری سرطان خون به ابدیت پیوست.

## کتابنامه

### قرآن مجید

آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد. ۱۴۱۰. شرح غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح مهدی رجایی. قم: دارالکتاب الاسلامی.

اوتو، رودلف. ۱۳۹۷. عرفان شرق و غرب، تحلیلی مقایسه‌ای درباره ماهیت عرفان. مقدمه، ترجمه و تحقیق: انشا... رحمتیان. ویراست مصطفی ملکیان. تهران: سوفیا.

حسن زاده، صالح. ۱۳۸۸. «فهم و برداشت مولانا از خدا، جهان، انسان». فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی. س ۷. ش ۱۸. صص ۹۹-۱۲۳.

- ۱۳۴ // ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی \_\_\_\_\_ مریم مردانی ورپشتی - حسین حسن‌پور آلاشتی...
- ایرج‌پور، محمدابراهیم و زهرا خاتمی. ۱۳۹۶. «بررسی تطبیقی اندیشه‌های مولوی و وین دایر». سومین همایش متن‌پژوهی ادبی (نگاهی تازه به مولانا). صص ۲۳-۱.
- خواججه‌گیر، علیرضا. ۱۳۸۷. «تعالی معنوی انسان در آموزه‌های مولانا». فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی. س ۶. ش ۱۷. صص ۶۷-۱.
- دایر، وین ولتر دبلیو. ۱۳۸۷. وجود متعالی انسان. ترجمه محمدرضا آل‌یاسین. چ ۷. تهران: هامون.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۲. مراقبه. ترجمه سیما فرجی. چ ۱. تهران: نسل نواندیش.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۱. چگونه فرزندان موفقی و سازنده داشته باشیم. ترجمه علی علی پناهی. چ ۲. تهران: آسیم.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ الف. داستان زندگی من. ترجمه علی علی پناهی. چ ۲. تهران: بهار سبز.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ ب. درمان با عرفان. ترجمه جمال هاشمی. چ ۱۶. تهران: انتشار.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ ج. قلمرو اشتباهات شما. ترجمه آریتا نجات مهر. چ ۱. تهران: الماس پارسیان.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ د. ندای درون. ترجمه ابوالفضل عطارد. چ ۲. تهران: نیک فرجام.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ ه. ۹ اصل معنوی. ترجمه امیر کرمانی. چ ۹. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب پارسه.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۹ الف. برای هر مشکلی راه حلی معنوی وجود دارد. ترجمه وجیهه آیت‌اللهی. چ ۷. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۹ ب. ده راز موفقیت و آرامش درون. ترجمه حمیده الهی نیا. چ ۴. تهران: آستان مهر.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۹ ج. نیروی خیال. ترجمه فروزنده دولتباری. چ ۲. تهران: نیک فرجام.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۴۰. لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین. ۱۳۷۶. مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف. چ ۶. تهران: سمت.
- شریعت‌نژاد، آسیه و همکاران. ۱۳۹۴. پایان‌نامه «بررسی و تحلیل مفاهیم عرفانی در آثار وین دایر». دانشگاه سمنان. دانشکده علوم انسانی. گروه الهیات و عرفان اسلامی.
- شیمل، آن ماری. ۱۳۷۰. شکوه شمس. ترجمه حسن لاهوتی. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- عبادی، رسول و رمضان، علی و نقوی، هدایت. ۱۳۹۷. «مطابقت اندیشه‌های اعتقادی - اخلاقی وین دایر با آموزه‌های قرآن کریم» چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. قم.

س ۱۹- ش ۷۰- بهار ۱۴۰۲- \_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی «انسان معنوی» در اندیشه مولانا و... / ۱۳۵

قبادی، حسینعلی و مریم عاملی رضایی. ۱۳۹۰. «بحران‌های انسان امروز و پاسخ حکمت اشراق به آن‌ها». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۷. ش ۲۲. صص ۷۳-۳۵.

**DOR: 20.1001.1.20084420.1390.7.22.3.1**

کاکاوند قلعه‌نویی، فاطمه و محمدعلی گذشتی. ۱۳۹۵. «بررسی وجوه مشترک آموزه‌های عرفانی مولوی و اوشو». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۱۲. ش ۴۲. صص ۲۵۶-۲۳۷.

**DOR: 20.1001.1.20084420.1395.12.42.8.1**

منگلی، ماندانا. ۱۳۹۷. «عشق و تأثیر آن بر انسان‌گرایی و کمال‌طلبی در اندیشه عارفانه رشیدالدین میبیدی، مولوی و وین دایر». *دوفصلنامه ادیان و عرفان تطبیقی*. س ۲. ش ۳. صص ۱-۲۲.

**DOI: 10.22111/JRM.2019.4955**

معین، محمد. ۱۳۸۷. *فرهنگ فارسی (معین)*. ج ۱. تهران: کتاب آزاد.  
مولانا، جلال‌الدین محمد. ۱۳۸۸. *کلیات شمس تبریزی*. مطابق نسخه استاد بدیع الزمان فروزانفر. با مقدمه دکتر عبدالحسین زرین کوب. ج ۵. تهران: صدای معاصر.

\_\_\_\_\_ . ۱۳۷۵. *مثنوی معنوی*. به تصحیح رینولد نیکلسن. تهران: امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ . ۱۳۹۶. *فیه مافیه*. به تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر. تهران:

جمهوری.

میرزایی، رضا و سمیه دلیر صف‌آرای اخگر. ۱۳۹۷. «بحران معنویت در جهان معاصر». *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی* ۷۴. س ۲۲. ش ۱. صص ۲۳-۱.

نصیری، محمد. ۱۳۸۴. «انسان کامل در عرفان اسلامی». *فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی*. ش ۱. صص ۶۷-۹۱.

نوروزی، رویا و همکاران. ۱۳۹۴. پایان‌نامه «بررسی معنویت‌گرایی از دیدگاه وین. و. دایر، متفکر معاصر مسیحی». دانشگاه الزهرا(س). دانشکده الهیات. رشته الهیات‌گرایی ادیان و عرفان.

## References (In Persian)

*Holy Qor'ān.*

Āmadī Tamīmī, Abdo al-vāhed Ebne Mohammad. (1989/1410AM). *Šarhe Qorraro al-hekam va Dorraro al-kalam*. Ed. by Mahdī Rajāyī. Qom: Ādaro al-ketābe al-eslāmī.

Dyer, Wayne, W. (2020/1399SH). *Barāye har Moškelī Rāhe Hallī Ma'navī Vojūd Dārad (There's a spiritual solution to every problem)*. Tr. by Vajīheh Ayato al-llāhī. 7<sup>th</sup> ed. Tehrān: Bongāhe Našr va Tarjome-ye Ketābe Pārese.

Dyer, Wayne, W. (2012/1391SH). *Čegūne Farzandānī Movaffaq va Sāzande Dāste Bāšīm (What do you really want for Your children?)*. Tr. by Alī Alī Panāhī. 2<sup>nd</sup> ed. Tehrān: Āsīm.

Dyer, Wayne, W. (2020/1399SH). *Dah Rāze Movaffaqāyyat va Arāmeše Darūn (10 Secrets for success and inner peace)*. Tr. by Hamīdeh Ellāhī-niyā. 4<sup>th</sup> ed. Tehrān: Āstāne Mehr.

Dyer, Wayne, W. (2019/1398SH). *Darmān bā Erfān (You'll see it when you believe it)*. Tr. by Jamāl Hāšemī. 16<sup>th</sup> ed. Tehrān: Entesār.

Dyer, Wayne, W. (2019/1398SH). *Dāstāne Zendegī-ye Man (the story of my life)*. Tr. by Alī Alī Panāhī. 2<sup>nd</sup> ed. Tehrān: Bahare Sabz.

Dyer, Wayne, W. (2003/1382SH). *Morāqebe (Getting in the gap: making conscious contact with God through meditation)*. Tr. by Šimā Farajī. 1<sup>st</sup> ed. Tehrān: Nasle Now-andiš.

Dyer, Wayne, W. (2019/1398SH). *Nedā-ye Darūn (Inspiration your ultimate calling)*. Tr. by Abo al-fazl Atārod. 2<sup>nd</sup> ed. Tehrān: Nīk Farjām.

Dyer, Wayne, W. (2020/1399SH). *Nīrū-ye Xiyāl (The power of intention : learning to co-create your world your way)*. Tr. by Forūzandeh Dowlat-yārī. 2<sup>nd</sup> ed. Tehrān: Nīk Farjām.

Dyer, Wayne, W. (2019/1398SH). *Noh Asle Ma'navī (Manifest your destiny: the nine)*. Tr. by Amīr Kermānī. 19<sup>th</sup> ed. Tehrān: Bongāhe Našr va Tarjome-ye Ketābe Pārese.

Dyer, Wayne, W. (2019/1398SH). *Qalamrove Eštebāhāte Šomā (Your erroneous zones)*. Tr. by Azītā Nejāt Mehr. 1<sup>st</sup> ed. Tehrān: Almāse Pārsiyān.

Dyer, Wayne, W. (2018/1397SH). *Sar-naxe Zendegī rā be Dast Begīrīd (Pulling your own strings: dynamic techniques for dealing with other people and living your life as you choose)*. Tr. by Mohammad-rezā Axlāq-maneš. Tehrān: Phenomenon of Knowledge.

Dyer, Wayne, W. (2008/1387SH). *Vojūde Mote'ālī-ye Ensān (Your sacred self: making the decision to be free: an original manuscript)*. Tr. by Mohammad-rezā Āle Yāsīn. 7<sup>th</sup> ed. Tehrān: Hāmūn.

Dehxodā, Alī-akbar. (1959/1340SH). *Loqat-nāme-ye Dehxodā (Dehkhoda Dictionary)*. Tehrān: Dāneš-gāhe Tehrān.mūzehā-ye.

Ebādī, Rasūl and Ramezānī, Alī & Naqavī, Hedāyat. (2018/1397SH). "Motābeqate Andīsehā-ye E'teqādī- Axlāqī-ye Wayne W. Dyer bā Amūzehā-ye Holy Qor'ān". *The fourth international congress of culture and religious thought*. Qom.

Hasan-zāde, Sāleh. (2009/1388SH). "Fahm va Bardāšte Mowlānā az Xodā, Jahān, Ensān". *Shahid Beheshti University's Quarterly Journal*

- of Islamic Philosophy and Theology, Ayna Marafet*. 7<sup>th</sup> Year. No. 18. Pp. 99-123.
- Mangolī, Māndānā. (2018/1397SH). “*Ešq va Ta’sīre ān bar Ensān-gerāyī va Kamāl-talabī dar Andīše-ye Arefāne-ye Rašīdo al-ddīne Meybodī, Mowlavī va Wayne W. Dyer*”. Two-quarter journal of comparative religions and mysticism. 2<sup>nd</sup> Year. No. 3. Pp. 1-22.
- Mīrzāyī, Rezā and Dalīr Saf-ārā-ye Axgar, Somayyeh. (2018/1397SH). “*Bohrāne Ma’navīyat dar Jahāne Mo’āser*” “*The Crisis of Spirituality in the Contemporary World*”. *Quarterly Journal of Epistemological Studies at Islamic University* 74. 22<sup>th</sup> Year. No. 1. Pp. 1-23.
- Mo’īn, Mohammad. (2008/1387SH). *Farhange Fārsī (Mo’īn)*. 1<sup>st</sup> ed. Tehrān: Ketābe Arād.
- Nasīrī, Mohammad. (2005/1384SH). “*Ensāne Kāmel dar Erfāne Eslāmī*” (“*The Perfect Man in Islamic Mysticism*”). *Quarterly Journal of Modern Religious Thought*. No. No. 1. Pp. 67-91.
- Nowrūzī, Rowyā and Others. (2015/1394SH). *Thesis “Barrasī-ye Ma’navīyat Garāyī az Dīd-gāhe Wayne W. Dyer, Motafakere Mo’āsere Masīhī”*. Al-Zahra University (S). *Theology faculty. Theology field, religion and mysticism*.
- Romī, Mowlānā Jallālo al-ddīn Mohammad Balxī. (2017/1396SH). *Fīhe mā Fīh*. To corrections and margins of Badī’o al-zamān Forūzān-far. Tehrān: Jomhūrī.
- Romī, Mowlānā Jallālo al-ddīn Mohammad Balxī. (2009/1388SH). *Kollīyāte Samse Tabrīzī*. according to the version of Master Badī’o al-zamān Forūzān-far. with introduction by Dr. Abdo al-hoseyn Zarrīnkūb. 5<sup>th</sup> ed. Tehrān: Sedā-ye Mo’āser.
- Romī, Mowlānā Jallālo al-ddīn Mohammad Balxī. (1996/1375SH). *Masnavī-ye Ma’navī*. Ed. by Reynold Alleyne Nicholson. Tehrān: Amīr-kabīr.
- Rudolf Otto. (2018/1397SH). *Erfāne Šarq va Qarb, Tahlīlī Moqāyeseh-ī Dabāre-ye Māhīyyate Erfān* (Mysticism East and West; a comparative analysis of the nature of mysticism). Introduction, translation and research by Enšā al-llāh Rahmatīyān. Ed. by Mostafā Malekīyān, Tehrān: Sūfiyā.
- Sajjādī, Seyyed Zīyā’o al-ddīn. (1997/1376SH). *Moqaddameh-ī bar Mabānī-ye Erfān va Tasavvof*. 6<sup>th</sup> ed. Tehrān: Samt.
- Sarīat-nežād, Āsīye and Others. (2015/1394SH). *Thesis “Barrasī va Tahlīle Mafāhīme Erfānī dar Āsāre Wayne W. Dyer”*. Semnan University. *Faculty of Humanities. Department of Islamic Theology and Mysticism*.
- Schimmel, Annemarie. (1991/1370SH). *Šokūhe Šams (The Triumphal Sun: a study of the works of Jalaloddin Rumi)*. Tr. by Hasan Lāhūtī. 2<sup>nd</sup> ed. Tehrān: Elmī va Farhangī.
- Xājah-gīr, Alī-rezā. (2008/1387SH). “*Ta’ālī-ye Ma’navī-ye Ensān dar Amūzeh-ye Mowlānā*” (“*Spiritual Excellence of Man in Rumi’s Teachings*”). *Shahīd Beheshti University’s Quarterly Journal of Islamic Philosophy and Theology, Ayna Marafet*. 6<sup>th</sup> Year. No. 17. Pp. 1-67.
- Xātāmī, Zahrā and Mohammad Ebrāhīm İraj-pūr. (2017/1396SH). “*Barrasī-ye Tatbīqī-ye Andīsehā-ye Mowlavī va Wayne Dyer*”. *The third literary research text conference (a new look at Rumi)*. Pp. 1-23.

## The "Spiritual Man" in the Thoughts of Jalāl-al Din Rumi and Wayne Dyer; A Comparative Study

<sup>\*</sup>Maryam Mardāni Varposhti

Ph. D. Candidate of Persian Language and Literature, Māzandarān University

<sup>\*\*</sup>Hosein Hasanpour Ālashti

The Associated Professor of Persian Language and Literature, Māzandarān University

<sup>\*\*\*</sup>Masood Ruhāni

The Associated Professor of Persian Language and Literature, University of Mazandaran

<sup>\*\*\*\*</sup>Aliakbar Bāqeri Khalili

The Professor of Persian Language and Literature, Māzandarān University

Analyzing human nature is one of the most basic philosophical, religious and sociological issues. Also, knowing the characteristics of spiritual man and the ways to achieve happiness is one of the main topics in mystical schools. Many scholars and mystics - both in the West and in the East - have addressed this issue and reached different results. In the present essay, by using descriptive-comparative method, the intellectual systems of Jalāl-al Din Rumi and Wayne Dyer are studied on the issue of "spiritual man" and the common thoughts of these two thinkers are explained. The research findings show that the similarities between their views are much more than the differences. This is due to Dyer's great influence from Rumi's teachings and shows that their intellectual source, that is mysticism, is the same. The main point of commonality between the two is the concept of "unity of being" and the most important difference is the issue of "belief in divine punishment".

**Keywords:** Jalāl-al Din Rumi, Wayne Dyer, *Masnavi Manavi*, Man, Spirituality, Spiritual Man.

---

\*Email: maryammardani22@yahoo.com

\*\*Email: alashtya@gmail.com

\*\*\*Email: ruhani46@yahoo.com

\*\*\*\*Email: aabagheri@umz.ac.ir

Received: 2022/08/28

Accepted: 2022/12/25